

ظهور و افول کشاورزی صنعتی در عصر رضاشاه ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۶*

سید حسن شجاعی دیوکلائی^۱

چکیده

اقتصاد کشاورزی ایران در دوره قاجاریه در پی ادغام در مناسبات بازار جهانی نظام سرمایه‌داری از شیوه تولید معیشتی به شیوه تولید تجاری تغییر کارکرد داد. تجاری شدن شیوه تولید کشاورزی در ایران که سرنوشت محتوم اقتصادی بسیاری از جوامع توسعه نیافته بود، طی سال‌های ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۶ دچار وقفه شد. این وقفه ناشی از تغییر شیوه تولید کشاورزی ایران از کشاورزی تجاری به کشاورزی صنعتی بود. بدین ترتیب اقتصاد کشاورزی ایران، برای نخستین بار طی سال‌های ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۶ شاهد ظهور و افول شیوه تولیدی جدیدی بود که می‌توان از آن به عنوان کشاورزی صنعتی نام برد. بر این اساس، مقاله پیش‌رو در صدد است تا با استفاده از روش تاریخی و با به کارگیری اسناد و مدارک آرشیوی و روزنامه‌ها و مجلات عصر پهلوی اول، به بررسی چرایی و چگونگی ظهور و افول کشاورزی صنعتی در سال‌های ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۶ بپردازد. دستاوردهای این پژوهش نشان می‌دهد که گرایش حکومت به ایجاد صنایع ماشینی جهت تولید کالاها، مصرفی موجبات ظهور کشاورزی صنعتی با هدف توسعه کشت مواد اولیه کشاورزی مورد نیاز صنایع، مانند چغندر، چای، پنبه، و توتون گردید. افول کشاورزی صنعتی نیز نتیجه الزام ایران به صدور مواد اولیه کشاورزی مورد نیاز صنایع آلمان نازی، در پی انعقاد پروتکل‌های محرمانه مبادلات تجاری میان دو کشور بود. واژگان کلیدی: اقتصاد، مواد اولیه کشاورزی، کشاورزی صنعتی، عصر رضاشاه.

The Rise and Fall of Industrial Agriculture in the Reign of Reza Shah

Seyed Hassan Shojaee_divkalaee²

Abstract

The agricultural economy in Iran underwent a change, from daily living production to commercial one, after joining the world market of capitalism during the Qajar Dynasty. Commercialization of agricultural production in Iran—which was the doomed economic destiny of most undeveloped societies—suffered from interruption from 1309 to 1316. This interruption was due to the change in ways of production from commercial agriculture to industrial one. So, for the first time agricultural economy of Iran experienced the rise and fall of a new way of production from 1309 to 1316 that can be called 'industrial agriculture'. On the basis of this idea, the present article, through using archive documents and newspapers of the reign of Pahlavi I, will study why and how the rise and fall of industrial agriculture happened. The result of this survey shows that the tendency of government for establishing mechanized industry in order to produce consumer goods paved the way for the emergence of industrial agriculture which aimed at development of cultivation of primary agricultural products needed for industry like beetroot, tea, cotton and tobacco. Failure of industrial agriculture forced Iran to export primary agricultural products which were necessary for Nazi Germany's industry after termination of secret commercial protocols between the two countries.

Keywords: Economy, Primary agricultural products, Industrial agriculture, Reza Shah.

۱. استادیار بخش تاریخ دانشگاه مازندران * تاریخ دریافت ۹۴/۹/۲۳ تاریخ پذیرش ۹۴/۱۲/۱۸
2. Assistant Professor, Department of History University Of Mazandaran Email: H.shojaee@umz.ac.ir

مقدمه

شیوه تولید در اقتصاد کشاورزی ایران، قرن‌ها تا پیش از ادغام اقتصاد ایران در مناسبات بازار جهانی نظام سرمایه‌داری، معیشتی بود. در کشاورزی معیشتی، هدف تولید تأمین نیازهای روزانه از طریق مصرف محصولات تولید شده توسط کشاورز و یا فروش آن در بازارهای محلی و خرید سایر مایحتاج زندگی بود. این شیوه تولید از دوره قاجار و در نتیجه ادغام اقتصاد ایران در مناسبات بازار جهانی نظام سرمایه‌داری، تغییر کرد. نتیجه این تغییر ظهور شیوه جدید در تولید کشاورزی ایران بود و از آن با عنوان کشاورزی تجاری نام برده می‌شود. هدف اصلی تولید در کشاورزی تجاری تهیه و صدور مواد اولیه کشاورزی مورد نیاز صنایع جوامع سرمایه‌داری صنعتی است. تجاری شدن شیوه تولید کشاورزی در ایران عصر قاجار، همانند اقتصاد کشاورزی سایر جوامع توسعه‌نیافته در قرن نوزدهم، امر ارادی و خود خواسته نبود. بلکه این شیوه تولید از طریق سازوکار حاکم بر تقسیم‌کار بازار جهانی نظام سرمایه‌داری و در نتیجه وابستگی بر ایران تحمیل شد.

پیامد وابستگی اقتصادی برای ایران، همانند سایر جوامع توسعه‌نیافته، دچار شدن به وضعیت بازتولید وابسته به بازار جهانی نظام سرمایه‌داری بود. دچار شدن به وضعیت بازتولید وابسته به بازار جهانی موجب می‌شود تا عوامل عمده تولید و تصمیم‌گیری در خصوص نوع و شیوه تولید، در جوامع توسعه‌نیافته به طور عمده از طریق بازار جهانی نظام سرمایه‌داری مشخص شود. در نتیجه دچار شدن به این وضعیت، تولید اقتصادی در جوامع توسعه‌نیافته، نه بر اساس نیازهای بازارهای داخلی، بلکه براساس نیازهای بازار جهانی نظام سرمایه‌داری صورت می‌گیرد. در این میان آنچه موجب تشدید وضعیت بازتولید وابسته به بازار جهانی می‌شود، تبدیل شدن جوامع توسعه‌نیافته به تولیدکنندگان مواد اولیه در چهارچوب تقسیم‌کار بازار جهانی نظام سرمایه‌داری است. این مواد به طور کلی قابل تقسیم‌بندی به مواد اولیه کشاورزی، دامی، و معدنی هستند که جوامع توسعه‌نیافته هر یک بر اساس ساختارهای طبیعی و جغرافیائی و پتانسیل‌های اقتصادی خود به تولید کننده نوع خاصی از مواد اولیه تبدیل می‌شوند.

در نتیجه چنین سازوکاری، تجاری شدن شیوه تولید کشاورزی ایران و تبدیل شدن کشور به تولیدکننده مواد اولیه کشاورزی، براساس ساختار طبیعی و جغرافیائی‌اش، پس از ادغام در مناسبات بازار جهانی نظام سرمایه‌داری امری محتوم بنظر می‌رسید. اما اقتصاد کشاورزی ایران، طی سال‌های ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۶ ظهور شیوه جدید تولید را در خود تجربه کرد. در این شیوه جدید تولید، محصولات کشاورزی نه با هدف تولید مواد اولیه جهت صدور به بازارهای جهانی، بلکه با هدف تولید مواد اولیه

برای صنایع نوپای کشور بود. تحت چنین شرایطی بود که تولید برخی از محصولات کشاورزی، مانند چغندر، چای، پنبه و توتون که تغذیه کننده صنایع نوپای کشور بودند، علی‌رغم سابقه نسبتاً طولانی تولید تجاری بعضی از آنها مانند پنبه و توتون، جنبه صنعتی پیدا کرد و برای نخستین بار سومین شیوه تولید کشاورزی که همان کشاورزی صنعتی است در کشور ظهور کرد.

کشاورزی صنعتی کوتاه زمانی بعد از ظهور خود دچار افول شد. سرآغاز این افول، در سال ۱۳۱۶، از سرگیری مجدد گرایش به کشاورزی تجاری را به همراه داشت. بر اساس چنین فراز و فرودی، مقاله حاضر در صدد است تا با استفاده از روش تاریخی به این پرسش پاسخ دهد که ظهور و افول کشاورزی صنعتی در دوره پهلوی اول طی سال‌های ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۶ چرا و چگونه صورت گرفته است؟

در خصوص پیشینه تحقیق باید عنوان کرد که ایده ظهور و افول کشاورزی صنعتی در دوره زمانی مورد بحث برای نخستین بار در این مقاله مطرح می‌شود و از این رو، پیشینه تحقیقی ندارد و ناگزیر، اتکای مقاله حاضر بر اسناد و مدارک آرشیوی و نشریات اقتصادی دوره زمانی مورد تحقیق است.

اهمیت و جایگاه کشاورزی تجاری در اقتصاد عصر پهلوی اول

درآمد حکومت پهلوی اول تا سال ۱۳۰۷ که پیامدهای بحران اقتصادی ۱۹۲۹ م. گریبان‌گیر ایران نشده بود عمدتاً بر صدور مواد اولیه مخصوصاً مواد اولیه کشاورزی استوار بود. میزان کل صادرات ایران در سال ۱۳۰۷ به عنوان سال اوج رونق اقتصاد جهانی پیش از سرایت بحران رقمی معادل ۴۸۲۵۵۲۷۲۷ ریال بود^۳ که از این میزان ۲۰۸۱۲۶۲۴۶ ریال سهم حاصل از درآمدهای صدور تنها هشت محصول کشاورزی برنج، پنبه، برگ تنباکو، تریاک، کتیرا، کنف خام انواع صمغ‌ها^۴ و خشکبار^۵ بود. تحصیل تقریباً نیمی از درآمدهای صادراتی از محل صدور تنها هشت محصول کشاورزی نشان از اهمیت و جایگاه صادرات این مواد اولیه کشاورزی و کشاورزی تجاری در اقتصاد حکومت پهلوی تا سال ۱۳۰۷ داشت. این روند درآمدزایی از محل صدور مواد اولیه کشاورزی از سال ۱۳۰۸ در نتیجه پیامدهای بحران اقتصادی ۱۹۲۹ م. دچار نوسان و کاهش شد.

۳. مجله اطلاق تجارت، س چهارم، شماره ۵۲ (۱۵ آذر ۱۳۱۱)، ص ۲۶.

۴. همان، ص ۲۶-۱۸.

۵. مجله اطلاق تجارت، س نهم، شماره ۱۸۲ (۱۶ خرداد ۱۳۱۷)، ص ۶.

بحران اقتصاد در نخستین سالی که پیامدهای بحران گریبان گیر ایران گردید موجب کاهش درآمدهای حاصل از صدور مواد اولیه مخصوصاً هشت محصول بزرگ صادراتی کشاورزی شد. به گونه‌ای که میزان صادرات این مواد از ۲۰۸۱۲۶۲۴۶ ریال در سال ۱۳۰۷ به ۲۰۰۶۰۹۱۸۶ ریال در سال ۱۳۰۸ و ۱۸۴۳۳۸۰۳۸ ریال در سال ۱۳۰۹ رسید.^۶ به این ترتیب درآمدهای ایران در سال ۱۳۰۸ از محل فروش این مواد ۴٪ نسبت به سال ۱۳۰۷ کاهش داشته است. این کاهش در سال ۱۳۰۹ نسبت به سال ۱۳۰۷ ۳۴٪ و به میزان ۲۳۷۸۸۲۰۸ میلیون ریال بود. کاهش صدور مواد اولیه تنها به اقلام عمده صادرات کشاورزی ایران محدود نمی‌شد. بلکه در سایر اقلام کوچک‌تر مانند سقز، حنا، علوفه، غلات سبز... هم وضعیت به همین صورت بود.^۷ در پی چنین کاهشی بود که میزان کل درآمدهای صادراتی ایران در سال‌های ۱۳۰۸ تا ۱۳۰۹ در مقایسه با سال ۱۳۰۷ با کاهش ملموسی مواجه شد. این کاهش میزان کل درآمدهای صادراتی براساس احصائیه اداره کل تجارت از ۴۸۲۵۵۲۷۲۷ ریال در سال ۱۳۰۷ به میزان ۴۷۳۸۵۳۷۵۸ ریال در سال ۱۳۰۸ و ۴۴۹۶۴۲۵۳۴ ریال در سال ۱۳۰۹ بود.^۸

کاهش درآمدهای حکومت از محل صدور مواد اولیه کشاورزی علاوه بر تأثیر مستقیم بر روند درآمدزایی حکومت به طور غیر مستقیم هم در کاهش درآمدهای حکومت نقش داشت. این نقش ناشی از وجود رابطه میان صدور مواد اولیه کشاورزی و واردات کالاهای ساخته شده مصرفی بود. حکومت پهلوی اول از آنجا که همواره به دنبال آسان‌ترین راه برای کسب بیشترین درآمد بود واردات انحصاری برخی از کالاهای ساخته شده مانند قند، شکر و چای را در اختیار خود گرفت بخشی از منابع مالی مورد نیاز برای واردات این کالاها از محل صادرات مواد اولیه کشاورزی و همچنین درآمدهای گمرکی حاصل از صدور مواد اولیه کشاورزی به دست می‌آمد.

در چنین شرایطی کاهش درآمد حاصل از صدور مواد اولیه کشاورزی با کاهش درآمد حاصل از واردات انحصاری کالاهای ساخته شده همراه بود. از آنجا که ایران بخش اعظم کالاهای مصرفی خود را از کشورهای صنعتی و از طریق درآمدهای حاصل از فروش مواد اولیه کشاورزی به دست می‌آورد؛ کاهش درآمدهای حاصل از فروش این مواد تأثیر زیادی در کاهش توان خرید

۶. مجله اطاق تجارت، س چهارم، شماره ۵۲ (۱۵ آذر ۱۳۱۱)، ص ۲۶-۱۸.

۷. همان، ص ۲۴.

۸. همان، ص ۲۶.

۹. قوه قضائیه روزنامه رسمی کشور، مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۰۰ ش، ج ۱ (تهران: روزنامه رسمی

جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸)، ص ۱۱۵-۱۱۴.

کالاهای ساخته شده مصرفی داشت. کاهش قدرت خرید و واردات برخی از کالاهای پرمصرف بر اساس احصائیه اداره کل تجارت ایران در سال‌های ۱۳۰۹ و ۱۳۱۰ در مقایسه با سال ۱۳۰۸ به عنوان سال اوج واردات این کالاها پیش از تأثیرگذاری بحران اقتصادی بر روند واردات به این ترتیب بود. واردات پارچه از ۲۸۹۷۴۲۸۴۵ ریال در سال ۱۳۰۸ به ۱۹۹۹۶۶۶۳ ریال در سال ۱۳۰۹ و ۱۲۹۹۸۶۹۲ ریال در سال ۱۳۱۰ کاهش یافت. واردات قند و شکر از ۱۱۵۵۷۸۷۱۴ ریال در سال ۱۳۰۸ به ۱۰۴۹۱۷۱۳۰ ریال در سال ۱۳۰۹ و ۶۸۷۹۷۷۵۸ ریال در سال ۱۳۱۰ کاهش یافت. واردات چای هم از ۶۹۹۵۳۶۵۹ ریال در سال ۱۳۰۸ به ۶۵۵۹۲۹۳۹ ریال در سال ۱۳۰۹ و ۴۱۸۶۰۱۹۶ ریال در سال ۱۳۱۰ کاهش یافت.^{۱۰}

چنین به نظر می‌رسد که کاهش قدرت خرید کالاهای مصرفی در شرایط بحران و در وضعیتی که حکومت با کاهش درآمد مواجه بود، برای اقتصاد کشور مفید باشد. زیرا باعث صرفه‌جویی اقتصادی، مخصوصاً صرفه‌جویی در ارز می‌شد. اما این مسأله با سیاست حکومت برای کسب درآمد هرچه بیشتر از آسان‌ترین منبع معايرت داشت. زیرا، همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، یکی از منابع درآمد حکومت از محل عواید گمرکی از طریق تحصيل عوارض از واردات کالاها مخصوصاً کالاها مصرفی بود که در این میان عوارض حاصل از قند، شکر، و چای به عنوان تأمین‌کننده اصلی هزینه ساخت راه‌آهن جایگاه ویژه‌ای داشت.^{۱۱} در چنین شرایط اقتصادی بود که حکومت پهلوی در واکنش به کاهش درآمدهای حاصل از صدور مواد اولیه کشاورزی و واردات کالاهای مصرفی سیاست صنعتی‌سازی را با هدف تولید کالاهای مصرفی در داخل کشور در پیش گرفت.

اجرای سیاست صنعتی‌سازی مقدمه‌ای بر شکل‌گیری کشاورزی صنعتی

صنعتی‌سازی با هدف تولید کالاهای مصرفی با اتخاذ نوعی استراتژی صنعتی‌سازی صورت می‌گرفت که از آن به عنوان استراتژی جایگزین واردت نام برده می‌شود. این نوع استراتژی صنعتی‌سازی معمولاً در شرایطی اجرا می‌شود که یک کشور در زمینه واردات کالاهای ساخته شده مخصوصاً کالاهای مصرفی با مشکل مواجه شود. این استراتژی رایج‌ترین استراتژی صنعتی‌سازی در کشورهای توسعه‌نیافته در نیمه اول قرن بیستم بود. بحران اقتصادی ۱۹۲۹ یکی از عواملی بود که روند ورود کالاهای ساخته شده را به کشورهای توسعه‌نیافته با مشکل مواجه کرد. در پی این

۱۰. مجله اطاق تجارت، س چهارم، شماره ۵۳ (اول دی ماه ۱۳۱۱)، ص ۲۹-۲۵.

۱۱. مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۰۰. ش، ج ۱، ص ۱۱۴.

بحران برخی از کشورهای توسعه‌نیافته از جمله کشورهای آمریکای لاتین^{۱۲} و ترکیه^{۱۳} صنعتی‌سازی با استراتژی جایگزین واردات را به منظور تولید کالاهای مصرفی درپیش گرفتند.

این وضعیت در مورد ایران هم صادق بود. مقایسه‌آمار واردات ایران در سال‌های ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۰ نشان می‌دهد که روند واردات کالاهای مصرفی با کاهش محسوسی مواجه شد. در این شرایط بود که لزوم به‌کارگیری استراتژی صنعتی‌سازی جایگزین واردات با هدف تولید کالاهای مصرفی، مخصوصاً ارقام پرمصرف آن مانند قند، شکر، چای، و انواع پارچه، در کشور احساس شد. درپیش به‌وجود آمدن چنین ضرورتی بود که تقریباً از سال ۱۳۰۹ رجال سیاسی و اقتصادی کشور و همچنین روزنامه‌ها و مجلات بر لزوم صنعتی‌سازی با این استراتژی تأکید کردند.

در فروردین ۱۳۰۹ رضاشاه در خصوص ضرورت تولید کالاهای مصرفی مخصوصاً پارچه در داخل کشور عنوان کرد: «تا آن‌جا که به کارخانه پارچه‌بافی مربوط است، من می‌دانم که ما باید در داخل کشور خودمان پارچه فراهم کنیم و از واردات بپرهیزیم.»^{۱۴} علاوه بر این، وی در ۳۱ خرداد ۱۳۱۰ هنگام دیدار با نمایندگان مجلس شورای ملی در کاخ سعدآباد، ضمن تأکید بر لزوم تأسیس کارخانجات صنعتی و تأمین احتیاجات کشور در داخل به آنان اعلام کرد: «لازم است تا مردم، سرمایه‌داران و تجار به تأسیس کارخانجات صنعتی تشویق شوند و رفته رفته صنایع داخلی مملکت توسعه و ترقی داده شده احتیاجات داخلی حتی الامکان توسط خودمان تأمین شود.»^{۱۵} همچنین دو سال بعد رضاشاه با همین رویکرد در مراسم افتتاحیه مجلس نهم به نمایندگان اعلام کرد: «آرزوی ما این است که احتیاجات مملکتی حتی الامکان در داخله مملکت و توسط خود اهالی تهیه شود.»^{۱۶} در نتیجه چنین ابراز تمایلاتی از جانب رضاشاه بود که برخی از نشریات مخصوصاً نشریات اقتصادی مروج اندیشه صنعتی‌سازی با استراتژی جایگزین واردات شدند. مجله مهر^{۱۷}، مجله تجارت^{۱۸} و روزنامه

۱۲. عبدالناصر همتی، مشکلات اقتصادی جهان سوم (تهران: سروش، ۱۳۶۶)، ص ۴۶. و ال. اس. استاوریانوس، جامعه‌شناسی تاریخی تطبیقی جهان سوم، ج ۲، ترجمه رضا فاضلی (اراک: دانشگاه آزاد اسلامی اراک، ۱۳۸۵)، ص ۱۹۳.
۱۳. چارلز عیسوی، تاریخ اقتصادی خاورمیانه و آفریقای شمالی، ترجمه عبدالله کوثری (تهران: انتشارات پایپروس، ۱۳۶۸)، ص ۱۹۶.

۱۴. ویلم فلور، صنعتی شدن ایران و شورش شیخ احمد مدنی ۱۹۰۰-۱۹۲۵، ترجمه ابولقاسم سری (تهران: توس، ۱۳۷۱)، ص ۵۵.

۱۵. روزنامه اطلاعات، س ششم شماره ۱۳۴۸ (سه‌شنبه ۱ تیر ۱۳۱۰)، ص ۲.

۱۶. روزنامه اطلاعات، س هفتم، شماره ۱۸۶۴ (سه‌شنبه ۱۵ فروردین ۱۳۱۲)، ص ۱.

۱۷. مجله مهر، س دوم، شماره اول (خرداد ۱۳۱۳)، ص ۴۸-۴۳.

۱۸. مجله تجارت، دوره سوم، شماره ۲۹ (اسفند ۱۳۱۰)، ص ۱۳-۱۲؛ و مجله تجارت، دوره سوم، شماره ۳۰ (فروردین ۱۳۱۱)،

اطلاعات^{۱۹} از جمله این نشریات بودند.

بدین ترتیب با توجه به شرایط بوجود آمده بواسطه بحران و به دلیل کاهش قدرت خرید کالاهای ساخته شده، مخصوصاً کالاهای مصرفیتلاش برای صنعتی‌سازی با استراتژی جایگزین واردات با هدف تولید کالاهای مصرفی در کشور به وجود آمد. در نتیجه همین تلاش بود که ۱۷ کارخانه با سرمایه‌گذاری حکومتی طی سال‌های ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۶ تأسیس شد.^{۲۰} در کنار مجموعه اقدام‌های حکومت، بخش خصوصی هم طی سال‌های ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۶ در سرمایه‌گذاری‌های صنعتی مشارکت کرد. براساس آمارهای موجود از صنایع ایران صدوسی و چهار کارخانه توسط سرمایه‌گذاران بخش خصوصی ایجاد شده بود. تمامی این کارخانه‌های ایجاد شده توسط بخش خصوصی به تولید کالاهای مصرفی اشتغال داشتند.^{۲۱}

در این میان نکته حائز اهمیت، نیاز صنایع جدید به مواد اولیه، مخصوصاً مواد اولیه کشاورزی، بود تا بتوانند به ادامه فعالیت بپردازند. از هفده کارخانه ایجاد شده توسط دولت سیزده کارخانه از جمله هشت کارخانه قند و شکر، دو کارخانه چای‌سازی، دو کارخانه نساجی^{۲۲} و یک کارخانه دخانیات^{۲۳} نیازمند مواد اولیه کشاورزی از جمله چغندر، برگ سبز چای، پنبه و توتون بودند. در مورد کارخانه‌های ایجاد شده توسط بخش خصوصی نیز وضع به همین منوال بود. از صدوسی و چهار کارخانه ایجاد شده توسط بخش خصوصی هشتاد و شش کارخانه محصولاتی تولید می‌کردند که نیازمند مواد اولیه کشاورزی بودند. بیشتر این کارخانه‌ها به تولید محصولاتی در زمینه نساجی، اعم از ریسندگی و بافندگی، دخانیات، و مواد غذایی، اشتغال داشتند.^{۲۴}

نیاز اکثر کارخانه‌های تأسیس شده در سال‌های ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۶ به مواد اولیه کشاورزی موجب شد تا حکومت در کنار تمرکز بر اجرای سیاست صنعتی‌سازی به ناچار بخش کشاورزی را نیز مورد توجه

۱۹. روزنامه اطلاعات، س پنجم، شماره ۱۱۶۵ (دوشنبه ۲۸ مهر ۱۳۰۹)، ص ۱؛ و روزنامه اطلاعات، س هشتم، شماره ۲۱۶۴ (یکشنبه ۲۶ فروردین ۱۳۱۳)، ص ۱۳۱۳.

۲۰. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۴۳۶-۲۴۰۰۰، محل در آرشیو ۸۰۸ ب ۵ آ آ، ص ۷۶.

۲۱. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۴۳۶-۲۴۰۰۰، محل در آرشیو ۸۰۸ ب ۵ آ آ، ص ۷۵-۶۳ و سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۹۱۸۲-۲۴۰۰۰، محل در آرشیو ۱۲۰۱ ب آ ۱، ص ۶۸-۴۴.

۲۲. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۴۳۶-۲۴۰۰۰، محل در آرشیو ۸۰۸ ب ۵ آ آ، ص ۷۶.

۲۳. محمود پورشالچی، قزاق عصر رضاشاه پهلوی، براساس اسناد وزارت خارجه فرانسه، ترجمه محمود پورشالچی (تهران: مروارید، ۱۳۸۴)، ص ۷۵۴.

۲۴. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۴۳۶-۲۴۰۰۰، محل در آرشیو ۸۰۸ ب ۵ آ آ، ص ۶۵ و سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۹۱۸۲-۲۴۰۰۰، محل در آرشیو ۱۲۰۱ ب آ ۱، ص ۷۵-۶۳.

قرار دهد. برخلاف ادوار گذشته مخصوصاً در دوره قاجار که سیاست حکومت و بخش خصوصی متمرکز بر کشاورزی تجاری با هدف تولید و صدور مواد اولیه کشاورزی به بازارهای جهانی بود؛^{۲۵} این بار توجه به بخش کشاورزی برای نخستین بار با هدف تأمین مواد اولیه صنایع نوپای کشور صورت می‌گرفت. بر این اساس می‌توان ادعا کرد که کشاورزی صنعتی با هدف تأمین مواد اولیه مورد نیاز صنایع ایران برای نخستین بار به صورت جدی و رسمی در بخش کشاورزی اقتصاد کشور ظهور کرد و بعنوان شق سوم تولید در بخش کشاورزی در کنار کشاورزی معیشتی و کشاورزی تجاری رایج گردید. چگونگی رایج شدن این شیوه تولید کشاورزی در ایران طی سال‌های ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۶ مسأله‌ای است که در ذیل به آن خواهیم پرداخت.

ظهور کشاورزی صنعتی ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۶

همان‌گونه که پیشتر گفته شد صنایع ایجاد شده در جریان اجرای استراتژی جایگزین واردات نیازمند مواد اولیه کشاورزی بودند. تهیه این مواد برای صنایع جدید اصلی‌ترین عامل ظهور کشاورزی صنعتی به عنوان شق سوم تولید در اقتصاد کشاورزی ایران بود. در حالی که در جوامع سرمایه‌داری صنعتی مواد اولیه مورد نیاز صنایع بیشتر از جوامع توسعه‌نیافته تهیه می‌شود؛ در جوامع توسعه‌نیافته صنعتی شونده مواد اولیه مورد نیاز صنایع به دلیل شیوه تاریخی تولید این جوامع و همچنین کمبود سرمایه و ارز به ناچار در داخل خود کشور تهیه می‌شوند. به این ترتیب در کنار تولیدات صنعتی شیوه‌های دیگر تولید از جمله کشاورزی با هدف تولید مواد اولیه مورد نیاز صنایع به ناچار باید مورد توجه قرار گیرد.

ایران عصر رضاشاه، از این قائده صنعتی‌سازی مستثنی نبود. بیشتر صنایع ایجاد شده در این دوره را صنایع مصرفی تشکیل می‌دادند. تمامی این صنایع برای ادامه فعالیت‌های خود نیازمند مواد اولیه کشاورزی بودند. به همین دلیل ضروری بود تا در کنار صنعتی‌سازی به افزایش تولید برخی از محصولات کشاورزی توجه ویژه شود. با توجه به چنین ضرورتی بود که روزنامه اطلاعات در سرمقاله خود بر لزوم توجه به تولیدات کشاورزی، به عنوان لازمه صنعتی‌سازی، این‌گونه تأکید کرد: «پس از چند مقاله که در موضوع صنعت و تاسیس کارخانجات نوشته شد بی‌موضوع نیست قدری هم در اطراف مواد اولیه محصولات فلاحتی صحبت کنیم. جای تردید نیست که کارخانجات در

۲۵. برای مطالعه بیشتر، نک: قباد منصوربخت، «کشاورزی تجاری در دوره قاجار»، فصلنامه تاریخ ایران، شماره ۳ پیاپی ۶۱/۵

پرتو فلاح و مواد اولیه بوجود می‌آید و تا مواد اولیه وجود نداشته باشد، صحبت آوردن کارخانه هیچ منطقی ندارد.^{۲۶} وجود چنین ضرورتی موجب می‌شد تا حکومت به منظور تولید مواد اولیه کشاورزی مورد نیاز برخی از کارخانه‌ها مانند کارخانه‌های قند، چای، نساجی و دخانیات گام‌هایی در زمینه توسعه کشت چغندر، چای، پنبه و توتون بردارد.

به منظور تأمین مواد اولیه مورد نیاز کارخانه‌های قند توسعه کشت چغندر در دستور کار حکومت قرار گرفت. برای تحقق این هدف وزارت مالیه پس از افتتاح کارخانه قند کرج در سال ۱۳۱۱ اراضی اطراف کرج را به کشت چغندر مورد نیاز این کارخانه اختصاص داد.^{۲۷} علاوه بر این پس از افتتاح کارخانه قند در سال ۱۳۱۲ املاک خالصه و زمین‌های چغندر بهمدت پانزده سال به اداره کل صنایع و معادن واگذار شد.^{۲۸} همچنین از طرف اداره کل فلاح و بر اساس تصویب این اداره کل در اردیبهشت سال ۱۳۱۵ املاک ساوجبلاغ نیز بواسطه نزدیکی به کارخانه قند کهریزک الزاماً می‌بایست به کشت چغندر اختصاص می‌یافت تا چغندر مورد نیاز این کارخانه تأمین شود. این الزام تا بدان اندازه بود که شرکت سهامی پنبه از اداره کل فلاح دستور یافت تا از اعطای مساعده به کشاورزان که قصد تولید پنبه در این املاک داشتند خوداری کند.^{۲۹}

علاوه بر اختصاص املاک مختلف، اعم از املاک خصوصی و دولتی، به کشت چغندر مورد نیاز کارخانه‌های قند، وزارت مالیه در فروردین سال ۱۳۱۲ شصت و شش هزار کیلو بذر مرغوب چغندر از اروپا برای کشت چغندر مورد نیاز کارخانه‌های دولتی خریداری کرد.^{۳۰}

در کنار توسعه کشت چغندر، توسعه و ترویج کشت چای هم به منظور تأمین برگ سبز چای مورد نیاز کارخانه‌های چای‌سازی نیز مورد توجه حکومت قرار گرفت. در طی سال‌های ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۳ براساس مصوبات مجلس پنج نفر متخصص خارجی برای توسعه و ترویج کشت چای به استخدام دولت درآمدند.^{۳۱} علاوه بر این، برای توسعه کشت چای، دو مؤسسه چای‌کاری در گیلان در مناطق لاهیجان و لاکاندر سال ۱۳۱۳ تأسیس شد. در این موسسه‌ها که توسعه کشت چای بخش مهمی از اهداف آن‌ها بود، بانک فلاحی مبلغ ۷۴۹۲۰۰ در موسسه کشت چای لاهیجان و

۲۶. روزنامه اطلاعات، س ششم، شماره ۱۵۰۹ (پنجشنبه ۹ دی ۱۳۱۰)، ص ۱.

۲۷. فهرست اسناد و مدارک سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و قضائی، ج ۳ اسناد اقتصادی (تهران: سازمان برگزار کننده آئین ملی بزرگداشت پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی، ۱۳۵۲)، ص ۲۱۲.

۲۸. مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۰۰ - ۱۳۲۰ هجری شمسی، ج ۱، ص ۸۴۹.

۲۹. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۴۶۱۲۵، شناسه بازایی ۱۳/۱/۴۶۱۲۵، ص ۴.

۳۰. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۰۱۴۲۶، محل در آرشیو ۷۱۸ ب ۱ آ ۵، ص ۴.

۳۱. مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۰۰ - ۱۳۲۰ هجری شمسی، ج ۱، فهرست مصوبات ص ۲۲-۵۴.

۶۹۴۳۰۰ در موسسه کشت چای لاکان سرمایه‌گذاری کرد.^{۳۳}

پس از انجام این اقدامات، در راستای توسعه کشت چای بود که روزنامه اطلاعات در فروردین سال ۱۳۱۴ در خصوص ضرورت و اهمیت ایجاد این مؤسسات برای توسعه کشت چای نوشت: چای یکی از احتیاجات مبرم داخلی ماست. چای در اقلام واردات مملکتی مطابق احصائیه مملکتی بعد از منسوجات پنبه و وسائط نقلیه و قندوشکر در درجه اول می‌باشد و هرگاه اقدامات دولت را به‌طور کلی برای رفع احتیاجات داخلی از واردات مذکور در نظر بگیریم، یعنی متوجه شویم که با چه کیفیت منظم قدم‌های متین و اساسی برای تاسیس کارخانجات قندسازی و زراعت چغندر برداشته شده درک خواهیم کرد که توسعه زراعت چای و تاسیس مؤسسات لازم و احداث باغ‌های چای‌کاری نمونه در سواحل بحر خزر که در سنوات اخیر به عمل آمده است مبتنی بر همان اطلاعات ریشه‌دار است که اقدام مذکور ایجاب نموده است.^{۳۳}

اقدام‌های بانک فلاحتی و صنعتی برای توسعه کشت چای تنها محدود به سرمایه‌گذاری در این مؤسسات کشت چای نبود، بلکه این بانک که اساساً حکومت آن را جهت توسعه کشاورزی و صنعت در خرداد سال ۱۳۱۲ تأسیس کرده بود^{۳۴} برنامه اساسی‌تری برای توسعه کشت چای ترتیب داده بود. این برنامه مشتمل بر برنامه‌ای ده‌ساله برای توسعه کشت چای بود که بانک در نخستین سال تأسیس خود تدوین کرده بود. بر اساس این طرح بانک فلاحتی و صنعتی مبلغی بالغ بر ۲۸ میلیون ریال جهت توسعه کشت چای طی ده سال اختصاص داده بود.^{۳۵} در سایه چنین اقدام‌هایی بود که سطح زمین‌های زیر کشت چای با هدف تأمین برگ سبز مورد نیاز کارخانه‌های چای‌ساز در کشور که تعداد آن‌ها تا سال ۱۳۱۶ به شش کارخانه رسیده بود، افزایش چشمگیری پیدا کرد و از پانصد هکتار در سال ۱۳۱۰ به دوهزار و چهارصد هکتار در سال ۱۳۱۶ رسید.^{۳۶}

در کنار توسعه کشت چای توسعه کشت پنبه نیز این بار نه با هدف صادرات آن بلکه با هدف تأمین پنبه مورد نیاز کارخانه‌های نساجی مورد توجه حکومت قرار گرفت. تولید و صدور پنبه به بازارهای جهانی از دوره ناصرالدین‌شاه یکی از نشانه‌های ادغام بخش کشاورزی اقتصاد ایران در درون مناسبات نظام سرمایه‌داری و همچنین یکی از شاخصه‌های اصلی تجاری شدن کشاورزی

۳۲. سازمان اسناد ملی ایران. سند شماره ۲۴۰۱۶۷۰۸. شناسه بازیابی ۱۳/۱/۱۶۵۶۷، ص ۲۷.

۳۳. روزنامه اطلاعات، س نهم، شماره ۲۴۶۲ (شنبه سی فروردین ۱۳۱۴)، ص ۱.

۳۴. مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۰۰ - ۱۳۲۰ هجری شمسی، ج ۱، ص ۸۳۱.

۳۵. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۱۹۱۲۵، شناسه بازیابی ۱۳/۱/۱۸۹۸۳، ص ۴۵.

۳۶. مجله بانک ملی. شماره ۱۹ (دی ۱۳۱۶)، ص ۱۳-۱۲.

ایران بود. در نتیجه این وضعیت صدور پنبه یکی از اقلام مهم صادرات مواد اولیه کشاورزی در دوره قاجار^{۳۷} و همچنین یکی از منابع مهم درآمد حکومت در دوره پهلوی اول تا پیش از بحران اقتصادی ۱۹۲۹ بود. ۵۲۶۸۰۱۲۰ ریال از ۲۰۸۱۲۶۲۴۶ ریال درآمد حاصل از صدور هشت محصول بزرگ صادراتی کشاورزی در سال ۱۳۰۷ کشور از صادرات پنبه به دست می‌آمد که پس از تریاک دومین رقم صادراتی محصول کشاورزی در این سال و پیش از سرایت پیامدهای بحران اقتصادی به کشور بود.^{۳۸} اما بحران کاهش قابل توجهی در صادرات پنبه و کسب درآمد ناشی از آن ایجاد کرد. صادرات پنبه در دومین سال سرایت بحران به ایران در سال ۱۳۰۹ به ۳۱۲۵۲۸۲۵ کاهش یافت.^{۳۹} علی‌رغم چنین کاهش حکومت سیاست توسعه کمی و کیفی کشت پنبه را با هدف تأمین پنبه مورد نیاز صنایع نساجی در پیش گرفت.

در این میان یکی از اقدام‌های حکومت برای بهبود کمی و کیفی کشت و تولید پنبه خریداری تخم‌های پنبه مرغوب بود. اداره مالیه تهران در فروردین سال ۱۳۰۹ درصد خرید تخم پنبه امریکائی برآمد.^{۴۰} همین اداره در فروردین ۱۳۱۰ نیز به برای کشت پنبه مرغوب در خالصجات ورامین و خوار نود خروار تخم پنبه فیلیستانی از شرکت پنبه روس و ایران خریداری کرد.^{۴۱} همچنین در آبان سال ۱۳۱۲ رضاشاه به منظور تأمین نخ مورد نیاز کارخانه‌های داخلی از پنبه‌های مرغوب تولید شده در کشور اداره کل صناعت را مأمور خرید تخم پنبه امریکائی و تقسیم آن در میان زارعان کرد.^{۴۲}

علاوه بر اقدام به خرید تخم پنبه با هدف تولید پنبه مرغوب، حکومت دو اقدام دیگر برای افزایش کمی و کیفی تولید و زراعت پنبه انجام داد. این دو اقدام عبارت بودند از ۱- اشاعه و ترویج آموزش‌های فنی و ۲- افزایش سطح زمین‌های زیر کشت پنبه. به منظور اشاعه و ترویج آموزش‌های فنی وزارت داخله در خرداد سال ۱۳۱۲ بنا بر درخواست اداره کل صناعت دستورالعملی به ایالات و شهرهای مختلف کشور صادر کرد که در آن ضمن درخواست برای تشویق زارعان به کشت تخم پنبه فیلیستانی و امریکائی متحدالمالی شش صفحه‌ای صادر کرد که شامل اطلاعاتی در

۳۷. منصوربخت، ص ۱۳۵-۱۳۲.

۳۸. مجله اطاق تجارت، س چهارم، شماره ۵۲ (۱۵ آذر ۱۳۱۱)، ص ۲۶-۱۸. آمار میزان صادرات خشکبار برگرفته از: مجله اطاق تجارت، س نهم، شماره ۱۸۲ (۱۶ خرداد ۱۳۱۷)، ص ۶.

۳۹. مجله اطاق تجارت، س چهارم، شماره ۵۲، (۱۵ آذر ۱۳۱۱)، ص ۲۶-۱۸.

۴۰. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۳۰۵۷۷، بدون شناسه بازیابی، ص ۷۶.

۴۱. همان، ص ۳۳.

۴۲. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۳۰۰۰۹۱۴، محل در آرشیو ۵۰۵ پ ۳ آح ۱، ص ۲.

خصوص چگونگی کشت پنبه شامل مواردی چون اقسام پنبه، آب و هوای مناسب کشت پنبه، زمین مناسب کشت پنبه، چگونگی آماده کردن زمین، چگونگی کشت بذر، چگونگی آبیاری، چگونگی مراقبت از بوته، انواع آفت پنبه و نوع مبارزه با آن و چگونگی برآشت محصول بود.^{۴۳} همچنین در آبان سال ۱۳۱۵ از طرف شرکت سهامی آبیاری ایران اداره کل فلاحی یک مهندس کشاورزی به شوشتر اعزام شد تا با بررسی وضعیت نهر داریان این منطقه به بررسی امکان استفاده از آب این نهر برای گسترش سطح زمین‌های زیر کشت در این منطقه پردازد.^{۴۴}

در کنار اشاعه و ترویج آموزش‌های فنی افزایش سطح زمین‌های زیر کشت پنبه نیز در دستور کار حکومت بود. در خرداد سال ۱۳۱۵ وزارت مالیه از والی خوزستان درخواست کرد تا با اتخاذ تدابیری سطح زمین‌های زیر کشت پنبه این استان را از هفت هکتار به ده هکتار افزایش دهد و با هماهنگی ناظر مالیه و رئیس اداره فلاحی سه هکتار اضافه سطح زیر کشت را در نواحی این استان مشخص و تنظیم کند.^{۴۵} همچنین وزارت مالیه در خرداد همین سال طی تلگرافی دیگر به رئیس حکومت ایالت عراق درخواستی مبنی بر افزایش سطح زیر کشت زمین‌های این استان از دوهزار هکتار به چهارهزار هکتار صادر کرد. در این تلگراف درخواست شده بود دوهزار اضافه سطح زیر کشت با حضور نماینده وزارت مالیه و اداره فلاحی در نواحی مختلف این ایالت تقسیم گردد.^{۴۶}

در کنار تلاش برای بهبود کمی و کیفی تولید پنبه برای مصرف صنایع نساجی داخلی، تشویق و حمایت زارعان و کشتکاران پنبه به صورت نقدی و غیر نقدی از دیگر اقدامات حکومت برای افزایش تولید پنبه بود. اداره مالیه تهران به منظور تشویق زارعان به پنبه‌کاری در خالصجات خوار و ورامین در اسفند ۱۳۰۹ بیست‌هزار تومان مساعده نقدی و ششصد خروار گندم برای مصرف آنها تخصیص داد.^{۴۷} همچنین اداره کل فلاحی در آبان سال ۱۳۱۵ با اعزام نماینده به استان خوزستان ضمن اعلام ممنوعیت کشت شلتوک و تریاک در برخی از شهرهای این استان مانند ایزده و داران به زارعان وعده اعطای مساعده چهارصد ریالی در صورت کشت پنبه به جای شلتوک و تریاک را داد.^{۴۸}

۴۳. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۹۱۲۸۱۹، بدون شناسه بازایی، ص ۱۹-۱۲.

۴۴. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۶۰۱۶، بدون شناسه بازایی، ص ۱۲.

۴۵. همان، ص ۱۸.

۴۶. همان، ص ۲۴.

۴۷. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۳۰۵۷۷، بدون شناسه بازایی، ص ۸۹.

۴۸. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۶۰۱۶، بدون شناسه بازایی، ص ۱۰.

انجام چنین اقداماتی در جهت افزایش سطح زیر کشت و افزایش کمی و کیفی کشت و تولید پنبه در حالی صورت می‌گرفت که صدور پنبه از ایران به بازارهای جهانی با کاهش مواجه شده بود. در این شرایط این پرسش مطرح می‌شود که هدف افزایش تولید پنبه در کشور چه بود؟ پاسخ این پرسش را باید در نیاز صنایع نساجی داخلی به پنبه جستجو کرد. با اوج‌گیری تأسیس کارخانه‌های نساجی اعم از نخ‌ریسی، پارچه بافی، جوراب‌بافی و کش‌بافی در سال‌های ۱۳۱۴ و ۱۳۱۵ نیاز این صنایع به پنبه روافزون می‌شد. طی ماه‌های آبان ۱۳۱۴ تا ۱۵ اردیبهشت ۱۳۱۵ یعنی در حدود شش ماه و نیم، شش کارخانه ریسندگی و بافندگی موجود در استان اصفهان حدود ۴۱۷۰ تن پنبه را برای تولید نخ و پارچه مصرف کردند.^{۴۹} بر اساس گزارش شرکت سهامی پنبه، پشم و پوست در شهریور سال ۱۳۱۵ مصرف کارخانه نخ‌ریسی خوزستان برای مدت یک ماه و نیم ۹۴ تن پنبه بود^{۵۰} که این میزان در طول یک سال به ۷۵۲ تن می‌رسید. مصرف پنبه دو کارخانه ریسندگی شهر یزد طی فاصله زمانی ۱۵ اردیبهشت تا پایان آبان ۱۳۱۵ حدود ۵۸۳ تن بود.^{۵۱}

نیاز روافزون صنایع نساجی ایران به پنبه مخصوصاً در سال‌های ۱۳۱۴ و ۱۳۱۵ کمبودها و نگرانی‌هایی را در زمینه تأمین پنبه مورد نیاز صنایع نساجی کشور ایجاد کرده بود. نمونه این کمبود و نگرانی را در تلگراف ۲۱ شهریور سال ۱۳۱۵ وزارت مالیه به اداره مالیه اهواز می‌توان مشاهده کرد که در آن عنوان شده بود «با توجه به اینکه موجودی شرکت پنبه از محصول سال ۱۳۱۴ به دلیل کاهش تولید پنبه ناکافی است تصمیم بر این گرفته شده به منظور رعایت تساوی موجودی پنبه و احتیاجات کارخانه‌ها طبق صورتجلسه‌های دقیق تعیین و شرکت پنبه موجودی خود را با تعدیل ساعت کار کارخانه‌ها متساویاً بین آنها تقسیم نماید.»^{۵۲}

در نتیجه این کاهش و نگرانی‌های ناشی از آن بود که وزارت مالیه تعهد فروش پنبه به کارخانه‌های داخلی را برعهده گرفت و در تلاشی برای به حداقل رساندن کاهش موجودی پنبه، با صدور متحدالمالی در ۱۲ اسفند ۱۳۱۴ به احتکار کنندگان پنبه هشدار داد تا ظرف دو روز پنبه‌های احتکاری خود را به نمایندگان شرکت پنبه و پشم و پوست بفروشند.^{۵۳}

ایجاد صنایع در کشور علاوه بر پنبه رویکرد به کشت توتون را نیز دچار تغییر کرد و کشت

۴۹. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۶۸۵۶-۲۴۰، شناسه بازیابی ۱۶۷۲۴/۱/۱۳، ص ۱۶.

۵۰. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۶۰۱۶، بدون شناسه بازیابی، ص ۱۵.

۵۱. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۶۸۵۶-۲۴۰، شناسه بازیابی ۱۶۷۲۴/۱/۱۳، ص ۱۱.

۵۲. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۶۰۱۶، بدون شناسه بازیابی، ص ۱۴.

۵۳. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۲۱۶۱۹، بدون شناسه بازیابی، ص ۱.

توتون را مانند پنبه که از زمان قاجار و در نتیجه ادغام در مناسبات بازار جهانی جنبه تجاری پیدا کرده بود جنبه صنعتی بخشید. شاید به جرأت بتوان ادعا کرد که کشت هیچ محصول کشاورزی به اندازه توتون جنبه تجاری نداشت و همچنین می‌توان ادعا کرد که کشت هیچ محصول کشاورزی به اندازه توتون نماد و نشانه تغییر فاز کشاورزی ایران از کشاورزی معیشتی به کشاورزی تجاری در نتیجه ادغام در مناسبات بازار جهانی نظام سرمایه‌داری نبود. واگذاری امتیاز انحصاری خرید و فروش توتون و تنباکو در زمان ناصرالدین‌شاه به عنوان تنها امتیاز اقتصادی واگذار شده در بخش کشاورزی در دوره قاجار خود دلیلی بر این مدعا است.

علی‌رغم چنین ویژه‌گی‌ای کشت توتون در کوتاه‌ترین زمان ممکن پس از اجرای سیاست صنعتی‌سازی توسط حکومت پهلوی اول کارکرد تجاری خود را از دست داد و دست‌کم در سیاست‌گذاری‌های رجال اقتصادی ایران کارکرد صنعتی پیدا کرد. شاهد این مدعا پاسخ به نامه درخواست استعلام اداره تفتیش‌کلمالی‌هوزار تمالیه در خصوص وضعیت دخانیات کشور از رئیس کل انحصار دولتی دخانیات ایران و پاسخ رئیس کل دخانیات کشور به این درخواست در تاریخ ۸ مهر ۱۳۰۹ است که در آن از صادرات سیگار به عنوان کالای ساخته شده و نه صادرات توتون به عنوان مواد اولیه کشاورزی سخن به میان می‌آید. در این نامه آمده است: «موسسه در نظر دارد وسیله جلب متخصصین خارجی برای جور نمودن و تدارک سیگار و سیکارت اعلائی باب خارجه از این راه صادرات مهمی تدارک نماید. فعلاً موضوع تحت اقدام و قریباً متخصص استخدام خواهد شد.»^{۵۴}

بر پایه چنین هدفی می‌توان ادعا کرد که کشت توتون و تنباکو از سال ۱۳۰۹ جنبه صنعتی به خود گرفت. این درحالی است که پیش از این رویکرد حکومت به کشت این محصول رویکردی تجاری بود و بر اساس همین رویکرد بود که حکومت قانون انحصار دولتی دخانیات را در سال ۱۳۰۳ وضع کرده^{۵۵} و این قانون را در سال ۱۳۰۷ در راستای تحکیم این انحصار تغییر داد.^{۵۶}

قانون انحصار دولتی دخانیات بار دیگر در سال ۱۳۱۰ اینبار در راستای صنعتی شدن کشت این محصول تغییر کرد و بر اساس آن مجلس با ملغی کردن قانون انحصار دولتی دخانیات سال ۱۳۰۷ قانون جدیدی را در این خصوص به تصویب رساند که بر اساس آن مقرر شد تجارت داخلی و خارجی و تهیه و نگهداری کالاهای دخانی در تمام کشور منحصر به دولت شود و کلیه کارخانه‌ها

۵۴. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۱۲۱۱۴، شناسه بازیابی ۱۳/۱/۱۲۱۰۲، ص ۴.

۵۵. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۹۸۷۱، شناسه بازیابی ۱۳/۱/۹۸۶۰، ص ۴.

۵۶. برای مطالعه بیشتر نک: سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۷۸۱۶، شناسه بازیابی ۱۳/۱/۷۸۰۶، ص ۱۴.

و ادوات مربوط به تهیه محصولات دخانی را بنگاه انحصار دخانیات از اشخاص خریداری کند.^{۵۷} همچنین بر اساس این قانون اداره انحصار دولتی دخانیات موظف گردید علاوه بر تولید محصولات دخانی در کارخانه‌ها، اقداماتی در خصوص تکمیل ساختمان کارخانه‌های دخانیات از یک سو و اقداماتی در خصوص کشت محصولات دخانی مانند نظارت بر زمین‌های کشت و تهیه انبار و اقداماتی در زمینه کشت توتون و تهیه توتون سیگار انجام دهد.^{۵۸}

با تصویب این قانون حکومت گام‌های عملی خود را در راستای تحقق اهداف صنعتی خود از کشت توتون برداشت. این گام‌ها در دو زمینه اعطای کمک‌های مالی و اشاعه و ترویج آموزش‌های فنی برداشته شد. نخستین گام در راستای اعطای کمک‌های مالی در جهت توسعه کشت توتون توسط بانک فلاحی و صنعتی برداشته شد. این بانک در ۱۳۱۲ برنامه‌ای سه ساله در راستای اعطای کمک مالی به توسعه کشت توتون تدوین کرد که بر اساس آن مبلغی معادل شش میلیون پانصد هزار ریال برای کشت و آماده‌سازی توتون در کنار پنبه و کتان تخصیص اعتبار داده شد.^{۵۹}

علاوه بر بانک فلاحی و صنعتی شرکت دولتی سهامی توتون هم پس از تأسیس در اسفند ۱۳۱۳ با هدف بسط و ترویج زراعت انواع توتون مرغوب سیگار اعطای قرضه به توتون کاران و تأدیه قیمت توتون خریداری شده از زارعان را به منظور اعطای کمک‌های مالی در جهت توسعه کشت توتون در اساسنامه گنجانده شد.^{۶۰} در کنار بانک فلاحی و صنعتی و شرکت سهامی توتون، اداره کل انحصار دخانیات نیز سیاست اعطای کمک‌های مالی را در جهت توسعه کشت توتون در پیش گرفت. در خرداد ۱۳۱۵ اداره کل انحصار دخانیات برای کشت هر هکتار زمین زیر کشت توتون چپق مساعده‌ای پانصد ریالی برای زارعان زمین‌ها زیر کشت این محصول تخصیص داد.^{۶۱}

اما در کنار اعطای کمک و مساعدهای مالی اشاعه و ترویج آموزش‌های فنی با هدف توسعه کشت توتون گام بعدی حکومت در راستای تحقق اهداف صنعتی کشت توتون بود. نخستین گام در تحقق این هدف استخدام متخصصین خارجی کشت توتون بود. استخدام کنستانتین اوجواغلی از یونان در آبان ۱۳۱۱^{۶۲} در همین راستا صورت گرفت. همچنین در بهمن سال ۱۳۱۱ ملکبان یکی از

۵۷. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۹۸۷۱، شناسه بازیابی ۱۳/۱/۹۸۶۰، ص ۴.

۵۸. همان.

۵۹. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۹۱۲۵-۲۴۰، شناسه بازیابی ۱۳/۱/۱۸۹۸، ص ۶۳-۵۷.

۶۰. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۶۵۳۸-۲۴۰، شناسه بازیابی ۱۳/۱/۱۶۳۹۷، ص ۶-۲.

۶۱. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۵۷۶۷۶-۲۴۰، شناسه بازیابی ۱۳/۱/۵۷۶۷۶، ص ۴۶.

۶۲. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۴۳۷۰۳-۲۴۰، شناسه بازیابی ۱۳/۱/۴۳۷۰۳، ص ۱۰.

متخصصین خارجی اسستخدام شده توسط مؤسسه انحصار دخانیات کتابچه‌ای همراه با عکس جهت آموزش کشت توتون به سفارش این موسسه تهیه کرد که در این عکس‌ها چگونگی مراحل کشت توتون از شخم و خزانه کردن بذر توتون تا خشک کردن آن جهت آموزش زارعان به تصویر درآمده بود.^{۶۳} علاوه بر این، حکومت در راستای ترویج و اشاعه آموزش‌های فنی در جهت توسعه کشت توتون مزرعه‌های آزمایشی توتون طولش را در سال ۱۳۱۵ تأسیس کرد.^{۶۴}

تحت چنین شرایطی می‌توان ادعا کرد که کشت چغندر، چای، پنبه و توتون به دلیل ضرورت تأمین مواد اولیه کارخانه‌های قند، چای‌سازی، نساجی و دخانیات جنبه صنعتی پیدا کرد. این در حالی است که تا پیش از آغاز سیاست صنعتی‌سازی کشت چای و چغندر به دلیل نبود کارخانه‌های قند و چای به صورت جدی مورد توجه حکومت و بخش خصوصی نبود و این دو محصول کشاورزی به صورت محدود در کشور کشت می‌شد. کشت پنبه و توتون هم از دوره قاجار به دلیل ادغام اقتصاد ایران در بازار جهانی نظام سرمایه‌داری جنبه تجاری پیدا کرد و با هدف صادرات در کشور کشت می‌شد. اما در دوره زمانی مورد بحث مقاله کشت و تولید این محصولات کشاورزی برخلاف دوره قاجار و هفت سال اول اقتدار رضاخان در ایران به منظور تأمین مواد اولیه صنایع نوپای کشور که به تولید کالاهای مصرفی اشتغال داشتند جنبه صنعتی پیدا کرد.

اما صنعتی شدن کشاورزی ایران در نتیجه اجرای سیاست صنعتی‌سازی توسط حکومت عمر طولانی پیدا نکرد و از سال ۱۳۱۶ کشاورزی صنعتی در کشور رو به افول گذاشت. افول کشاورزی صنعتی ایران محصول خارج شدن صنعتی‌سازی از اولویت سیاست‌های اقتصادی حکومت بود. خارج شدن صنعتی‌سازی از اولویت سیاست‌های اقتصادی حکومت در سال ۱۳۱۶ با مقدمه‌ای در سال ۱۳۱۴ آغاز شد. این مقدمه آغاز روابط اقتصادی ایران و آلمان نازی بود که پیامدهای ناشی از آن ضمن خارج کردن صنعتی‌سازی از اولویت سیاست‌های اقتصادی حکومت، کشاورزی صنعتی شکل گرفته ناشی از آن را از ضرورت و اهمیت خارج کرد و دچار افول نمود.

افول کشاورزی صنعتی

برقراری روابط اقتصادی میان ایران و آلمان نازی که مقدمه افول کشاورزی صنعتی گردید بر اساس قرارداد تصفیه محاسبات تجاری ایران و آلمان در مهر ۱۳۱۴ آغاز شد. مهمترین هدف این قرارداد

۶۳. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۵۱۳۴۲، بدون شناسه بازایی، ص ۴-۶.

۶۴. کشت و صنعت توتون در ایران (بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا)، ص ۱۸۵.

بیست ماده‌ای فراهم کردن مبادلات تجاری پایاپای میان دو کشور بود.^{۶۵} پس از انعقاد این قرارداد حضور هیأت ایرانی در آلمان به منظور توسعه و تحکیم روابط تجاری با این کشور نه ماه دیگر ادامه پیدا کرد.^{۶۶} انعقاد پروتکل محرمانه مبادلات تجاری ایران و آلمان در بهمن ۱۳۱۴ نتیجه فعالیت‌های اعضای این هیأت بود.^{۶۷}

پروتکل محرمانه مبادلات تجاری که در پی انعقاد قرارداد تسویه محاسبات تجاری به امضاء رسید زمینه‌ساز خارج شدن سیاست صنعتی‌سازی از اولویت برنامه‌های اقتصادی حکومت گردید که نتیجه آن افول کشاورزی صنعتی و گرایش مجدد به کشاورزی تجاری با هدف صادرات مواد اولیه کشاورزی به آلمان بود. براساس ماده اول این پروتکل ایران اجازه می‌داد اجناس آلمانی طبق صورت رسمی سهمیه آزاد وارد ایران شود. در مقابل و بر اساس ماده دوم پروتکل دولت آلمان به صورت نامحدود اجازه می‌داد برخی از اجناس ایرانی به این کشور وارد شود. این اجناس عبارت بودند از: قالی، گردو، خشکبار، گندم، جو، ارزن، برنج، پنبه خام، میوه و برگ و گیاهانی که مصرف داروئی داشتند، زیره صحرائی، خزه‌ها، تمبره‌ندی، کاسیای خام، میوه، برگ، گیاه و ساقه‌هایی که مصرف طبی داشتند، پوست درخت برای دباغی، انگور، سندروس، انواع صمغ‌ها، موم زنبور عسل و سایر موم‌های حشره به صورت طبیعی، پشم خام گوسفند، کرک شتر به صورت خام و جوشیده، موی بز به صورت خام و جوشیده، پيله ابریشم، پوست و چرم خام، پوست‌خام برای مصارف لباس (از روباه، خز، گرگ، شغال، سگ‌آبی، گربه‌کوهی و راسو)، روده گوسفند، مستخرجات حیوانات، عصاره دباغی، فضولات ابریشم شانه نشده و پوست و چرم بره، گوسفند، بز و بزغاله.^{۶۸}

لیست اجناس مورد درخواست آلمان بیشتر شامل مواد اولیه کشاورزی بود. تمایل آلمان به واردات مواد اولیه کشاورزی و تعهد ایران به صدور این مواد بر اساس پروتکل محرمانه مبادلات تجاری موجب شد تا در سیاست‌های اقتصادی حکومت در بخش اقتصاد کشاورزی تغییر ایجاد شود. زیرا این تعهد ایران را ناچار می‌کرد به جای توجه و تمرکز بر توسعه کشاورزی صنعتی با هدف تولید مواد اولیه مورد نیاز صنایع نوپای کشور به کشاورزی تجاری با هدف تأمین مواد اولیه مورد نیاز آلمان توجه و تمرکز کند. این تغییر سیاست به منزله بازگشت ایران به ایفای نقش خود در راستای تقسیم‌کار بازار جهانی نظام سرمایه‌داری بعنوان تولیدکننده مواد اولیه کشاورزی برای جوامع

۶۵. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۲۰۶۸۷، محل در آرشیو ۷۰۳ پ ۲ ب آ ۱، ص ۱۱۶-۱۱۴.

۶۶. عبدالحسین مسعود انصاری، زندگانی من و نگاهی به تاریخ سیاسی ایران و جهان، ج ۲ (تهران: ابن‌سینا، ۱۳۵۱)، ص ۳۲۱.

۶۷. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۱۲۰۲۳، محل در آرشیو ۷۰۴ ع ۳ آ آ ۱، ص ۵.

۶۸. همان ص ۶-۵.

صنعتی بود.

گرایش و تمرکز بر توسعه کشاورزی تجاری با افزایش تقاضاهای آلمان در پروتکل‌های مبادلاتی بعدی در سال‌های ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ تشدید شد. آلمان در پروتکل مبادلات تجاری ۲۷ مهر ۱۳۱۷ خود با ایران بر میزان و تنوع مواد اولیه مورد درخواست خود افزود. توتون، میوه‌های خشک شده خوراکی، برگه زردآلو و هلو، خرما، تریاک، هسته زردآلو، کتیرا، خاک سرخ، شلتوک، کنف و میوه‌ها و برگ‌ها با مصارف صنعتی اجناسی بودند که بر لیست واردات آلمان در پروتکل مبادلاتی سال ۱۳۱۷ افزوده شدند.^{۶۹} در ادامه این روند آلمان در پروتکل مبادلاتی ۱۴ مهر ۱۳۱۸ بر میزان مواد اولیه مورد درخواست خود از ایران افزود. این افزایش بر اساس ماده دوم پروتکل سال ۱۳۱۷ صورت می‌گرفت که در آن مقرر شده بود تا دولت ایران تلاش خود را برای افزایش میزان اجناس صادراتی به آلمان به کارگیرد.^{۷۰} در راستای همین توافق بود که در پروتکل مبادلاتی سال ۱۳۱۸ بر میزان صادرات پنبه از ۱۰۰۰۰ تن به ۲۲۵۰۰ تن و کتیرا از ۳۰۰ تن به ۵۰۰ تن افزوده شد.^{۷۱} تمایل روبه افزایش دولت آلمان برای خرید مواد اولیه موجب می‌شد تا ایران برای تأمین مطالبات این کشور در صدد افزایش تولید این مواد برآید. ضرورت انجام چنین کاری هنگامی بیشتر می‌شد که شرکت‌های تجاری و صنعتی آلمان هم در راستای سیاست‌های اقتصادی رژیم نازی در صدد برآمدن قراردادهای جداگانه با دولت و شرکت‌های ایرانی برای تهیه مواد اولیه منعقد کنند.^{۷۲} در چنین شرایطی اتخاذ تدابیری از جانب حکومت برای افزایش تولید مواد اولیه کشاورزی ضروری بود. بر این ضرورت رضاشاه در اسفند ۱۳۱۵ هنگام بازدید از نمایشگاه کالاهای فارس این‌گونه تأکید کرد:

مسئلاً هر کس به دنبال کار فلاحی یا صنعت برود کامیاب خواهد شد. به فلاحی باید بیشتر از صنعت توجه شود. زیرا مواد خام و محصولات فلاحی ما طرف توجه دنیا است. ... نظر من بیشتر متوجه فلاحی است یک موقعی صنعت زیاد شد و اکنون هم می‌گویم باید زیاد شود اما به نسبت احتیاج و تناسب. نباید همه یک راه را دنبال کنند. مثلاً اگر نخ محصول دو کارخانه به صورت پارچه در بیاید خوب است. ولی باز هم دایر کردن کارخانه نخریسی بیش از احتیاج کشور می‌باشد و ممکن است مضر به اقتصاد کشور گردد. پنبه کاری باید خیلی توسعه یابد. پنبه متاعی است که بازاریش ضعیف نمی‌شود و روز به روز

۶۹. اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۲-۱۲۰۲۴، محل در آرشیو ۷۰۳ ع ۱۱۳، ص ۹-۷.

۷۰. همان، ص ۶.

۷۱. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۲۱۴۸-۲۴۰۰، محل در آرشیو ۱۰۹ ث ۴ ب ۱، ص ۵.

۷۲. برای مطالعه بیشتر نک: سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۳۴۱۶-۲۴۰۰، محل در آرشیو ۲۰۲ ف ۱۱۲، ص ۴۹.

احتیاج به این محصول زیادتر می‌گردد و خوشبختانه پنبه ایران عموماً خوب است و انتظار داریم سعی کامل نمائید پنبه و نوع آن و هر قسم محصول فلاحتی و صادراتی زیادتر شود.^{۷۳}

در پی این اظهار نظر بود که توسعه کشاورزی تجاری با هدف کسب درآمد بیشتر از بازار جهانی فروش مواد اولیه دوباره در اولویت سیاست‌های اقتصادی حکومت قرار گرفت. در نتیجه چنین اولویت یابی بود که مطبوعات اقتصادی بر ضرورت و لزوم توجه به این مسأله تأکید کردند. بعنوان مثال روزنامه اطلاعات در لزوم توجه به این اقدام نوشت:

ما باید بدین نکته متوجه باشیم که ایران برای تولید مواد اولیه عرصه پهناوری است و دنیا نیز برای خرید محصولات آن بازار شایسته و خوبست و ما می‌توانیم با جزئی دقت در امر فلاحت منافع و سود سرشاری برده ثروتمند شویم. ... آری باید به فلاحت بیشتر اهمیت داد. زیرا مواد خام از قبیل پنبه، کتیرا، و همچنین خشکبار مورد احتیاج ملل صنعتی اروپایی است و مشتری فراوان دارد. ما باید در فلاحت سعی کنیم و بر صادرات فوق بیفزائیم و ... به اقتصاد کشور کمک کنیم.^{۷۴}

همین روزنامه با تأکید مجدد بر لزوم اولویت یافتن کشاورزی با هدف صادرات می‌آورد: «برای هر کشوری فلاحتی یا صنعتی تفاوت ندارد، این مسأله اهمیت دارد که پس از تأمین نیازمندیهای داخلی کشور از محصولات و موالید فلاحتی، فکر تجارت صادراتی خود را بکند. و این فکر همیشه توأم است با فکر و دقت اینکه بازارهای جهانی چه احتیاجی داشته و چه می‌خواهد. تولید کننده در هر کشوری همیشه ناگزیر از متابعت میل خریداران در بازار جهانی است.»^{۷۵}

علاوه بر روزنامه اطلاعات، مجله اطاق تجارت هم بر ضرورت و اهمیت توسعه کشاورزی تجاری با توجه به اظهارات رضاشاه و نیازهای بازار جهانی تأکید کرد: «اندکی توجه به اوضاع و احوال دنیا بیش از پیش ما را متوجه اهمیت معنای فرمایشات ملوکانه در بسط فلاحت و تکثیر تولید مواد خام می‌نماید و نیازمندیهای بازار دنیا به مواد خام فلاحتی قدر و ارزش فلاحت را در نظر ما بزرگ خواهد ساخت.»^{۷۶} در چنین شرایطی بود که با توجه به تحولات بازار جهانی مخصوصاً تمایل آلمان به خرید مواد اولیه کشاورزی از ایران تمایل به توسعه کشاورزی تجاری اولویت یافت و از اهمیت و اولویت صنعتی‌سازی و به دنبال آن کشاورزی صنعتی در سیاست‌های اقتصادی دولت کاستشده.

خارج شدن صنعتی‌سازی و کشاورزی صنعتی از اولویت برنامه‌های اقتصادی حکومت، در حالی

۷۳. مجله اطاق تجارت، س هشتم، شماره ۱۵۵-۱۵۶ (یکماه فروردین ۱۳۱۶)، ص ۲-۱.

۷۴. روزنامه اطلاعات، س یازدهم، شماره ۳۰۹۸ (پنج‌شنبه ۱۹ فروردین ۱۳۱۶)، ص ۲.

۷۵. روزنامه اطلاعات، س دوازدهم، شماره ۳۳۲۳، (عصر یکشنبه هفتم آذر ۱۳۱۶)، ص ۱.

۷۶. مجله اطاق تجارت، س هشتم، شماره ۱۵۵-۱۵۶ (یکماه فروردین ۱۳۱۶)، ص ۱.

صورت می‌گرفت که هنوز اهداف مورد نظر از اجرای این سیاست‌های اقتصادی که تولید کالاهای مصرفی در کشور بود، محقق نگردیده بود. علی‌رغم تلاش حکومت تا سال ۱۳۱۶ برای تولید ارقام پر مصرف کالاهای ساخته شده مانند قند، شکر، چای و پارچه، این کالاها همچنان ارقام بالای واردات ایران را تشکیل می‌دادند و در برخی مواقع رقم واردات برخی از این کالاها از سال ۱۳۰۸ (پیش از اجرای سیاست صنعتی‌سازی) بیشتر بود. به عنوان نمونه میزان واردات چای علی‌رغم تأسیس دو کارخانه چای‌سازی توسط دولت^{۷۷} و چهار کارخانه توسط بخش خصوصی^{۷۸} از ۶۹۹۵۳۶۵۹ ریال در سال ۱۳۰۸^{۷۹} به ۹۵۳۲۴۰۰۰ ریال در سال اقتصادی ۱۳۱۵-۱۳۱۶ رسید.^{۸۰} میزان واردات پارچه علی‌رغم تأسیس دو کارخانه نساجی توسط حکومت^{۸۱} و ده‌ها کارخانه نساجی توسط بخش خصوصی^{۸۲} از ۲۸۹۷۴۲۸۴۵ ریال در سال ۱۳۰۸^{۸۳} به ۱۵۵۰۰۰۰۰۰ ریال در سال ۱۳۱۷ رسید.^{۸۴} و میزان واردات قند و شکر علی‌رغم تأسیس هشت کارخانه توسط حکومت^{۸۵} از ۱۱۵۵۷۸۷۱۴ ریال سال در سال ۱۳۰۸^{۸۶} همچنان ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال در سال ۱۳۱۷ بود.^{۸۷}

این ارقام نشان می‌دهد که چگونه علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته جهت ایجاد صنایع مصرفی طی سال‌های ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۶ هنوز واردات کالاهای مصرفی همانند زمان پیش از اجرای سیاست صنعتی‌سازی رقم قابل توجهی از واردات کشور را تشکیل می‌داد. بر این اساس ادامه اجرای سیاست صنعتی‌سازی با استراتژی جایگزینی واردات جهت رفع نیاز داخلی به کالاهای مصرفی و به دنبال آن توجه و تمرکز به توسعه کشاورزی صنعتی با هدف تولید مواد اولیه مورد نیاز صنایع به لحاظ اقتصادی منطقی و ضروری به نظر می‌رسید. اما بر خلاف چنین ضرورتی توجه و تمرکز حکومت

۷۷. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۰۱۴۳۶، محل در آرشیو ۸۰۸ ب ۵ آ آ ۱، ص ۷۶.

۷۸. روزنامه اطلاعات، س یازدهم، شماره ۲۸۵۵ (یکشنبه ۴ مرداد ۱۳۱۵)، ص ۱. و سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره

۲۴۰۰۱۹۱۸۲، محل در آرشیو ۱۲۰۱ ب ۱ آ ۱، ص ۶۸-۵۰.

۷۹. مجله اطلاق تجارت، س چهارم، شماره ۵۳ (اول دی ماه ۱۳۱۱)، ص ۲۵.

۸۰. روزنامه اطلاعات، س دوازدهم، شماره ۳۳۷۹، (دوشنبه چهارم بهمن ۱۳۱۶)، ص ۱.

۸۱. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۰۱۴۳۶، محل در آرشیو ۸۰۸ ب ۵ آ آ ۱، ص ۶۵.

۸۲. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۱۹۱۸۲، محل در آرشیو ۱۲۰۱ ب ۱ آ ۱، ص ۶۸-۴۴.

و سازمان اسناد ملی ایران سند شماره ۲۴۰۰۰۱۴۳۶، محل در آرشیو ۸۰۸ ب ۵ آ آ ۱، ص ۷۵-۶۳.

۸۳. مجله اطلاق تجارت، سال چهارم، شماره ۵۳، اول دی ماه ۱۳۱۱، ص ۲۵.

۸۴. مجله اطلاق تجارت، سال نهم، شماره ۱۸۷-۱۸۸، شهریور ۱۳۱۷، ص ۱۸-۶.

۸۵. سازمان اسناد ملی ایران سند شماره ۲۴۰۰۰۱۴۳۶، محل در آرشیو ۸۰۸ ب ۵ آ آ ۱، ص ۶۵.

۸۶. مجله اطلاق تجارت، س چهارم، شماره ۵۳ (اول دی ماه ۱۳۱۱)، ص ۲۵.

۸۷. مجله اطلاق تجارت، س نهم، شماره ۱۸۷-۱۸۸ (شهریور ۱۳۱۷)، ص ۱۸-۶.

از سال ۱۳۱۶ بجای کشاورزی صنعتی بر کشاورزی تجاری معطوف و متمرکز شد. در سال ۱۳۱۵ هشتمین و آخرین کارخانه قند توسط دولت در میاندوآب تأسیس شد^{۸۸} و پس از آن علی‌رغم میزان بالای واردات قند و شکر، دولت برای ساخت کارخانه قند تلاشی نکرد. در زمینه صنایع نساجی هم علی‌رغم میزان بالای واردات پارچه، فعالیت دولت تنها به اقدام برای ساخت یک کارخانه چیت‌سازی در تهران در سال ۱۳۱۷ محدود ماند که تأسیس این کارخانه هم بواسطه بروز جنگ جهانی دوم نیمه‌کاره رها شد.^{۸۹} در این میان نکته جالب توجه حجم بالای صادرات پنبه‌خام به آلمان بر اساس پروتکل‌های مبادلات تجاری سال‌های ۱۳۱۴،^{۹۰} ۱۳۱۷^{۹۱} و ۱۳۱۸^{۹۲} علی‌رغم حجم بالای واردات پارچه پس از سال ۱۳۱۷ است.

سرنوشت کشت صنعتی توتون با هدف تأمین مواد اولیه مورد نیاز صنایع دخانیات هم به همین منوال بود. در حالی که توتون تولید شده در داخل کشور با توجه به اینکه وزارت مالیه اعلام کرده بود که از آذر ۱۳۱۶ انحصار کامل تهیه سیگار و اجناس دخانیه را در کشور برعهده می‌گیرد^{۹۳} و این صنعت می‌توانست با تبدیل توتون به سیگار علاوه بر تأمین نیازهای داخلی سیگارهایی برای صادرات تولید کند (هدفی که وزارت مالی از سال ۱۳۰۹ به دنبال تحقق آن بود.^{۹۴}) اما در پروتکل مبادلات تجاری سال‌های ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ توتون هم جزء اقلام صادراتی به آلمان قرار گرفت.

حال با توجه به چنین شرایطی این پرسش مطرح می‌شود که چرا علی‌رغم برطرف نشدن نیازهای کشور به کالاهای ساخته شده مصرفی، حکومت از توسعه کشاورزی صنعتی با هدف تأمین مواد اولیه مورد نیاز صنایع تولید کننده کالاهای مصرفی دست کشید؟ پاسخ این پرسش را باید در دو عامل جستجو کرد: ۱- بهبود شرایط مبادلات مواد اولیه در بازار جهانی که علامت این بهبودی را ایران بیشتر از طریق مطالبات آلمان لمس می‌کرد. و ۲- تمایل حکومت به کسب بالاترین میزان درآمد از آسان‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راه. در نتیجه این دو عامل سیاست توسعه کشاورزی صنعتی با هدف تولید مواد اولیه کشاورزی مورد نیاز صنایع و کارخانه‌های داخلی تغییر کرد و از سال ۱۳۱۶ جای خود را به کشاورزی تجاری با هدف تولید و صدور مواد اولیه کشاورزی به بازارهای جهانی

۸۸. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۴۳۶-۲۴۰۰۰، محل در آرشیو ۸۰۸ ب ۵ آ آ، ص ۷۶.

۸۹. حسین محبوبی اردکانی، تاریخ موسسات تملنی جدید در ایران، ج ۳ (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۶)، ص ۱۴۹.

۹۰. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۲۰۲۳-۲۴۰۰۱۲، محل در آرشیو ۷۰۴ ع ۱ آ آ ۳، ص ۵.

۹۱. اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۲۰۲۲-۲۴۰۰۱۲، محل در آرشیو ۷۰۳ ع ۱ آ آ ۳، ص ۹-۷.

۹۲. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۳۴۱۶-۲۴۰۰۱۳، محل در آرشیو ۲۰۲ ف ۱ آ آ ۲، ص ۴۹.

۹۳. سازمان اسناد ملی ایران. سند شماره ۲۲۹۷۴-۲۴۰۲۲۹۷۴. بدون شناسه سند، ص ۲.

۹۴. برای مطالعه بیشتر نک: سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۲۱۱۴-۲۴۰۱۲۱۱۴، شناسه بازیابی ۱۳/۱/۱۲۱۰۲، ص ۴.

مخصوصاً آلمان داد. روزنامه اطلاعات بر لزوم انجام چنین تغییری در سال ۱۳۱۶ اینگونه تاکید می‌ورزید:

تولید پشم، ابریشم، چغندر قند، و کف از جمله محصولاتی هستند که خوراک صنایع جدید کشور را فراهم می‌آورند. به استثنای چغندر قند که مورد نیاز کارخانه‌های قندسازی کشور می‌باشد. سایر محصولات فلاحی مزبور را هر اندازه بیشتر بشود تولید کرد عامل توسعه تجارت خارجی کشور و سبب افزایش صادرات خواهد بود ... به همان اندازه که بتوانیم بیشتر و بهتر محصولاتی را که مورد نیاز بازارهای تجارت دنیاست تولید کنیم به همان اندازه در توسعه صادرات و بزرگ کردن حجم تجارت خارجی و داد و ستد خود با بازارهای خارجی توفیق خواهیم یافت. احتیاج به این استدلال نداریم که هر اندازه در زندگانی پیشرفت و ترقی نمائیم نیازمندیهای زندگی متری ما بیشتر می‌شود و چون کمتر کشوری زندگانی خود را خودش تامین می‌کند پس به ناچار بایست آنچه را که خود نمی‌توانیم تدارک کنیم از خارج وارد کنیم و از این راه بسط و توسعه تجارت حاصل گردد. و باید آن اندازه تولید کنیم که تأمین احتیاجات وارداتی ما را بکند و از آنجا که بزرگترین چشمه تولید ثروت کشور فعلاً محصولات فلاحی می‌باشد بنابراین حتماً باید تکان شدیدی بفلاحات کشور داده شود.^{۹۵}

نتیجه

ادغام اقتصاد ایران در مناسبات بازار جهانی نظام سرمایه‌داری از دوران قاجار بخش کشاورزی اقتصاد ایران را با تغییری بزرگ در شیوه تولید مواجه کرد. در نتیجه این تغییر کشاورزی معیشتی ایران تبدیل به کشاورزی تجاری شد. از این پس بخش عمده‌ای از کشاورزی ایران و فعالان آن تولید را نه برای رفع نیازی‌های روزانه معیشتی خود بلکه براساس مطالبات بازار جهانی نظام سرمایه‌داری و به طور اخص برای تأمین مواد اولیه مورد نیاز صنایع جوامع سرمایه‌داری تولید می‌کردند.

این تغییر شیوه تولید بخش مهمی از پروسه تبدیل شدن ایران به جامع توسعه‌نیافته و وابسته بود که بر اساس تقسیم کار بازار جهانی نظام سرمایه‌داری صورت می‌گرفت. بر اساس این تقسیم کار ایران همانند سایر جوامع توسعه‌نیافته وابسته ملزم به تولید مواد اولیه برای جوامع سرمایه‌داری صنعتی و تهیه کالاهای ساخته شده مصرفی از این جوامع برپایه سازوکار حاکم بر بازار جهانی نظام سرمایه‌داری شد.

چنین تغییراتی که پس از جنگ‌های ایران و روس به تدریج در ایران آغاز شد تقریباً یک قرن

بعد و در نتیجه سرایت پیامدهای بحران اقتصادی ۱۹۲۹ به ایران دچار وقفه کوتاه مدت شد. بحران اقتصادی ۱۹۲۹ که موجب کاهش درآمدهای ایران از محل صدور مواد اولیه کشاورزی به بازارهای جهانی از یک سو و کاهش واردات کالاهای ساخته شده مصرفی از سوی دیگر گردیده بود به ناچار حکومت پهلوی اول را از سال ۱۳۰۹ به اجرای سیاست صنعتی سازی با هدف تأمین کالاهای ساخته شده مصرفی مورد نیاز کشور از قبیل قند، شکر، چای، پارچه، محصولات دختانی ... سوق داد.

اجرای سیاست صنعتی سازی اگرچه سیاستی در بخش صنعت اقتصاد کشور بود اما پیامدی مهم در بخش کشاورزی اقتصاد کشور داشت. این پیامد مهم ظهور کشاورزی صنعتی به عنوان شیوه جدید تولید در بخش کشاورزی در کنار شیوه تولید معیشتی و تجاری بود. در این شیوه هدف بخش کشاورزی تولید مواد اولیه این بار نه برای تأمین نیازهای صنایع جوامع سرمایه داری صنعتی بلکه به منظور تأمین مواد اولیه مورد نیاز صنایع داخلی بود. این نیاز در نتیجه گرایش حکومت پهلوی و بخش خصوصی اقتصاد کشور جهت ایجاد صنایع مصرفی در کشور طی سال‌های ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۶ ایجاد شده بود. زیرا، بخش اعظمی از صنایع ایجاد شده طی این سال‌ها به منظور تولید کالاهای مصرفی مانند قند و شکر، چای، پارچه و محصولات دختانی به مواد اولیه کشاورزی مانند چغندر، چای، پنبه، توتون... نیاز داشتند. در نتیجه این نیاز بود که حکومت از سال ۱۳۰۹ همزمان با اجرای سیاست صنعتی سازی توسعه کمی و کیفی تولید محصولات کشاورزی ای را که مواد اولیه این صنایع را تأمین می کردند در دستور کار خود قرار داد و بدین ترتیب بود که کشاورزی صنعتی در کشور به عنوان سومین شیوه تولید در بخش کشاورزی اقتصاد کشور ظهور کرد.

کشاورزی صنعتی با هدف تولید مواد اولیه مورد نیاز صنایع کشور عمری کوتاه به اندازه اجرای سیاست صنعتی سازی در کشور داشت. تمایل نداشتن حکومت به تداوم اجرای سیاست صنعتی سازی از سال ۱۳۱۶ به صورت خودکار ضرورت توسعه کشاورزی صنعتی را هم برای حکومت پهلوی اول از اولویت خارج کرد. انعقاد پروتکل‌های محرمانه مبادلات تجاری میان دو کشور ایران و آلمان نازی در سال‌های ۱۳۱۴، ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ که بر اساس آن‌ها ایران ملزم به تأمین مواد اولیه مورد نیاز صنایع آلمان مخصوصاً مواد اولیه کشاورزی می شد در ابتدا سیاست صنعتی سازی و متعاقب آن توسعه کشاورزی صنعتی را از اولویت برنامه‌های اقتصادی حکومت خارج کرد.

خارج شدن صنعتی سازی از اولویت برنامه‌های اقتصادی به این دلیل صورت می گرفت که حکومت پهلوی در نتیجه انعقاد پروتکل‌های محرمانه مبادلات تجاری با آلمان نازی می توانست بر مشکلاتی که بحران اقتصادی ۱۹۲۹ پیش روی اقتصاد کشور گذاشته بود عبور کند و با صدور

مواداولیه کشاورزی به آلمان از یک سو مفری برای کاهش صادرات مواداولیه خود پیدا کند و از سوی دیگر کالاهای مورد نیاز خود را از این کشور تأمین کند. این امر برای حکومت پهلوی که همواره برای تأمین منابع مالی خود به دنبال آسانترین و سهل‌الوصول‌ترین راه بود مطلوب مطلوب به نظر می‌رسید. به همین خاطر بود که از سال ۱۳۱۶ کشاورزی صنعتی به نفع سیاست توسعه کشاورزی تجاری با هدف تأمین مواداولیه کشاورزی مورد نیاز صنایع آلمان از اولویت برنامه‌های اقتصادی حکومت خارج شد و برخی از محصولات کشاورزی تولید شده در ایران مانند پنبه و توتون علی‌رغم اینکه می‌توانستند در خدمت تولید صنایع ایران باشند در لیست اقلام صادراتی به آلمان قرار گرفت.

خارج شدن صنعتی‌سازی از اولویت برنامه‌های اقتصادی دولت در سال ۱۳۱۶ در حالی صورت می‌گرفت که علی‌رغم رشد شتابان ایجاد صنایع مصرفی توسط بخش دولتی و خصوصی نیاز ایران به کالاهای مصرفی از طریق تأمین آن در داخل کشور برطرف نشده بود و ضرورت تداوم اجرای سیاست صنعتی و به دنبال آن توسعه کشاورزی صنعتی همچنان وجود داشت. این ضرورت در سال ۱۳۱۶ از آن جهت بیشتر احساس می‌شد که واردات برخی از این کالاها مانند قند و شکر، چای و پارچه از سال ۱۳۰۸ پیش از اجرای سیاست صنعتی‌سازی بیشتر شده بود و یا اینکه در همان سطح باقی مانده بود.

کتابنامه

- استاوریانوس، ال. اس. جامعه‌شناسی تاریخی تطبیقی جهان سوم، ترجمه رضا فاضلی، ۳ جلد. اراک: دانشگاه آزاد اسلامی اراک، ۱۳۸۵.
- اطلاق تجارت. سال چهارم. شماره ۵۳. اول دی ماه ۱۳۱۱.
- اطلاق تجارت. سال چهارم. شماره ۵۲. ۱۵ آذر ۱۳۱۱.
- اطلاق تجارت. سال نهم. شماره ۱۸۷-۱۸۸. شهریور ۱۳۱۷.
- اطلاق تجارت. سال نهم. شماره ۱۸۲. ۱۶ خرداد ۱۳۱۷.
- اطلاق تجارت. سال هشتم. شماره ۱۵۵-۱۵۶. یکم فروردین ۱۳۱۶.
- اطلاق تجارت. سال هشتم. شماره ۱۵۵-۵۶. یکم فروردین ۱۳۱۶.
- اطلاعات. سال پنجم. شماره ۱۱۶۵. دوشنبه ۲۸ مهر ۱۳۰۹.
- اطلاعات. سال دوازدهم. شماره ۳۲۸۷. سه‌شنبه ۲۷ مهر ۱۳۱۶.
- اطلاعات. سال دوازدهم. شماره ۳۳۳۳. عصر یکشنبه هفتم آذر ۱۳۱۶.
- اطلاعات. سال دوازدهم. شماره ۳۳۷۹. دوشنبه چهارم بهمن ۱۳۱۶.

- اطلاعات. سال ششم. شماره ۱۳۴۸. سه‌شنبه ۱ تیر ۱۳۱۰.
- اطلاعات. سال ششم. شماره ۱۵۰۹. پنج‌شنبه ۹ دی ۱۳۱۰.
- اطلاعات. سال نهم. شماره ۲۴۶۲. شنبه سی فروردین ۱۳۱۴.
- اطلاعات. سال هشتم. شماره ۲۱۶۴. یکشنبه ۲۶ فروردین ۱۳۱۳.
- اطلاعات. سال هفتم. شماره ۱۸۶۴. سه‌شنبه ۱۵ فروردین ۱۳۱۲.
- اطلاعات. سال یازدهم. شماره ۲۸۵۵. یکشنبه ۴ مرداد ۱۳۱۵.
- اطلاعات. سال یازدهم. شماره ۳۰۹۸. پنج‌شنبه ۱۹ فروردین ۱۳۱۶.
- بانک ملی. شماره ۱۹. دی ۱۳۱۶.
- پورشالچی، محمود. قزاق عصر رضاشاه پهلوی: براساس اسناد وزارت خارجه فرانسه. ترجمه محمود پورشالچی. تهران: مروارید، ۱۳۸۴.
- تجارت. دوره سوم، شماره ۲۹، اسفند ۱۳۱۰.
- تجارت. دوره سوم، شماره ۳۰، فروردین ۱۳۱۱.
- سازمان اسناد ملی ایران. سند شماره ۲۳۰۰۰۹۱۴. محل در آرشیو ۵۰۵ پ ۳ آح ۱.
- سازمان اسناد ملی ایران. سند شماره ۲۳۰۵۷۷. بدون شناسه بازایی.
- سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۱۲۰۲۲، محل در آرشیو ۷۰۳ ع ۳ آ آ ۱.
- سازمان اسناد ملی ایران. سند شماره ۲۴۰۱۹۱۸۲. محل در آرشیو ۱ آ ۲۰۱ ب آ ۱.
- سازمان اسناد ملی ایران. سند شماره ۲۴۰۱۲۱۱۴. شناسه بازایی ۱۳/۱/۱۲۱۰۲.
- سازمان اسناد ملی ایران. سند شماره ۲۴۰۱۶۵۳۸. شناسه بازایی ۱۳/۱/۱۶۳۹۷.
- سازمان اسناد ملی ایران. سند شماره ۲۴۰۱۶۷۰۸. شناسه بازایی ۱۳/۱/۱۶۵۶۷.
- سازمان اسناد ملی ایران. سند شماره ۲۴۰۱۶۸۵۶. شناسه بازایی ۱۳/۱/۱۶۷۲۴.
- سازمان اسناد ملی ایران. سند شماره ۲۴۰۱۹۱۲۵. شناسه بازایی ۱۳/۱/۱۸۹۸۳.
- سازمان اسناد ملی ایران. سند شماره ۲۴۰۲۱۶۱۹. بدون شناسه بازایی.
- سازمان اسناد ملی ایران. سند شماره ۲۴۰۲۲۹۷۴. بدون شناسه بازایی.
- سازمان اسناد ملی ایران. سند شماره ۲۴۰۴۳۷۰۳. شناسه بازایی ۱۳/۱/۴۳۷۰۳.
- سازمان اسناد ملی ایران. سند شماره ۲۴۰۴۶۱۲۵. شناسه بازایی ۱۳/۱/۴۶۱۲۵.
- سازمان اسناد ملی ایران. سند شماره ۲۴۰۵۱۳۴۲. بدون شناسه بازایی.
- سازمان اسناد ملی ایران. سند شماره ۲۴۰۵۷۶۷۶. شناسه بازایی ۱۳/۱/۵۷۶۷۶.
- سازمان اسناد ملی ایران. سند شماره ۲۴۰۷۸۱۶. شناسه بازایی ۱۳/۱/۷۸۰۶.
- سازمان اسناد ملی ایران. سند شماره ۲۴۰۹۸۷۱. شناسه بازایی ۱۳/۱/۹۸۶۰.
- سازمان اسناد ملی ایران. سند شماره ۲۴۰۰۱۴۲۶، محل در آرشیو ۷۱۸ ب ۵ آ آ ۱.
- سازمان اسناد ملی ایران. سند شماره ۲۴۰۰۱۲۰۲۳، محل در آرشیو ۷۰۴ ع ۳ آ آ ۱.
- سازمان اسناد ملی ایران. سند شماره ۲۴۰۰۱۳۴۱۶، محل در آرشیو ۲۰۲ ف ۲ آ آ ۱.

- سازمان اسناد ملی ایران. سند شماره ۲۴۰۰۲۰۶۸۷، محل در آرشیو ۷۰۳ پ ۲ ب آ ۱.
- سازمان اسناد ملی ایران. سند شماره ۲۴۰۰۲۲۱۴۸، محل در آرشیو ۱۰۹ ث ۴ ب آ ۱.
- سازمان اسناد ملی ایران. سند شماره ۲۴۰۶۰۱۶. بدون شناسه بازایی.
- سازمان اسناد ملی ایران. سند شماره ۲۹۱۲۸۱۹. بدون شناسه بازایی.
- سازمان اسناد ملی ایران. سند شماره ۲۴۰۰۱۴۳۶، محل در آرشیو ۸۰۸ ب آ ۵.
- عیسوی، چارلز. *تاریخ اقتصادی خاورمیانه و آفریقای شمالی*. ترجمه عبدالله کوثری. تهران: انتشارات پایروس، ۱۳۶۸.
- فلور، ویلم. *صنعتی شدن ایران و شورش شیخ احمد مدنی: ۱۹۰۰-۱۹۲۵*. ترجمه ابولقاسم سری. تهران: توس، ۱۳۷۱.
- فهرست اسناد و مدارک سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و قضائی*. ج ۳. تهران: سازمان برگزار کننده آئین ملی بزرگداشت پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی، ۱۳۵۲.
- قوه قضائیه روزنامه رسمی کشور. *مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۰۰ هجری شمسی*. ج ۱. تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸.
- کشت و صنعت توتون در ایران*. بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- مجله مهر*. سال دوم. شماره اول. خرداد ۱۳۱۳. ص ۱۳۱۳؟؟
- محبوبی اردکانی، حسین. *تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران*. ج ۳. تهران: دانشگاه تهران: ۱۳۷۶.
- مسعود انصاری، عبدالحسین. *زندگانی من و نگاهی به تاریخ سیاسی ایران و جهان*. ج ۲. تهران: ابن‌سینا، ۱۳۵۱.
- منصوربخت، قباد. «کشاورزی تجاری در دوره قاجار». *فصلنامه تاریخ ایران*. شماره ۳ پیاپی ۶۱/۵. تابستان ۱۳۸۸. ص ۱۵۰-۱۲۳.
- همتی، عبدالناصر. *مشکلات اقتصادی جهان سوم*. تهران: سروش، ۱۳۶۶.